

### خبر

**حرف‌های صریح** **مهران مهام** درباره **سانسور** و **گذشته تلویزیون** **سریال «ترگس»** **پنهانی ساخته شد** **اگر کاره‌ای بودم** **سیمافیلم** **را جمع می‌کردم!**



**بخش فرهنگی** – مهران مهام – تهیه‌کننده باسابقه سریال‌های تلویزیونی – روایتی از وضعیت سانسور در تلویزیون داشت و گفت: مگر من در سازمان خودم (صداسوسیا) می‌توانم برای خودم برنامه‌سازی کنم؛ کاری که از لایه‌های مدیریتی رد شده، مراحل تولید آن به پایان رسیده، یک اتفاق برایش می‌افتد و در زمان پخش اتفاق دیگری برایش می‌افتد! ۳۰ سال است می‌گویند در پیچ خطرناک هستیم، حذف کنید!

به گزارش ایسنا، مهام با حضور در برنامه تلویزیونی «جام جم» درباره ممیزی در تلویزیون اینچنین گفت: فرض کنید مجموعه‌ای ساخته شده، فیلمنامه آن از قبل در اداره کل طرح و برنامه‌ریزی تصویب شده، به مرحله تولید رسیده و آماده شده است؛ حالا اتفاقی در کشور افتاده، کاملاً سریال عوض می‌شود، هم مفاهیم، هم فرم و هم محتوا! هر چه می‌گوییم محتوای تولید شده ربطی با فلان موضوع ندارد، می‌گویند باید حذف کنید.

او ادامه داد: من سال‌هایی در شبکه جم‌جم تهیه‌کننده بودم. در آنجا با توجه به اینکه شبکه جهانی بود، رایت‌ها رعایت می‌شد، مجموعه‌هایی که با رایت خریده بودیم به ما می‌دادند و ما مجدد باید دوبله و زیرنویس می‌کردیم و در واقع برای شبکه جام‌جم پیش تولید می‌کردیم که بخشی از آن را قبول دارم. کارتون «فوتبالیست‌ها»، سریال «اوشین» و ... با آن چیزی که در اصل بود تفاوت داشت والبته درست هم بود. ۳۰ سال است می‌گویند در پیچ خطرناک هستیم، حذف کنید!

مهام سپس درباره تجربیاتش از سانسور در تلویزیون گفت: یک جمله همواره در این ۳۰ سال با ما بوده و آن اینکه در پیچ خطرناک هستیم فلان قسمت را باید دربیاوریم، بارها گفته شده! همین حالا هم گفته می‌شود. می‌گویند الان هم در مرحله خطرناک هستیم اجازه بدهید این بخش از کار را دربیاوریم.

او در پاسخ به اینکه مگر چه کاری می‌سازد که می‌گویند حذف کنید؟ اینگونه توضیح داد: همان چیزهایی که خودشان تایید کرده‌اند را ساختیم؛ چیزی غیر از آن نبوده که بدون اجازه خودم آن را اضافه کنیم. کل کار توسط اداره کل فیلمنامه تصویب شده، ناظر خوانده، کنترل شده، ساخته شده اما همان را می‌گویند پخش نکن. فلان بخش‌ها را حذف کن! مگر من در سازمان خودم می‌توانم برای خودم برنامه‌سازی کنم؟! چیزی که تصویب شده همه مراحل از سینپاس تا نگارش و تولید بر اساس قانون پیش رفته اما به آنتن که رسیده می‌گویند حذف کن!

این تهیه‌کننده در بخشی از گفت‌وگوی خود در صداسوسیا، با بیان اینکه مجموعه «ترگس» هم پنهانی ساخته شد، گفت: این راز بزرگ را افشا می‌کنم که مجموعه ترگس جزو اولین نودشبی‌های تلویزیون بود و از مدیریت به ما عنوان شد که نگویید این سریال قرار است در ۹۰ قسمت تولید شود، بگویید ۲۶ قسمتی است؛ جایی درز نکند وگرنه جلوی ساخت آن گرفته خواهد شد! آقای پورمحمدی این هشدار را می‌داد که اگر بدانند این سریال ۹۰ قسمتی است آن را تعطیل می‌کنند. این سریال پخش می‌شود و روی آنتن هم شاخص می‌شود. فضای یک راز: «ترگس» پنهانی ساخته شد

او درباره مخالف شورای نظارت مبنی بر پخش «ترگس» هم یادآور شد: مجموعه ترگس زمانی که آماده شد چند نفر از شورا تشخیص گذاشتند کار دیده شود، آن موقع سی‌دی نبود، ۱۰ نوار وی‌اچ‌اس، تحویل دادیم، همه دیدند و گفتند این برنامه نباید پخش شود، از نظر ما غیر قابل پخش است و آقای میرباقری می‌گوید ما به شما اعتماد می‌کنیم، بروید و پخش کنید. سوال من این است مگر می‌شود ما کاری غیرقابل پخش بسازیم!

**اگر کاره‌ای بودم سیمافیلم را جمع می‌کردم**

مهام همچنین در بخشی از گفت‌وگوی خود برای افزایش مخاطب تلویزیون راه‌حلی پیشنهاد داد و گفت: من اگر در سازمان صداسوسیا کاره‌ای بودم صبح زود سیمافیلم را جمع می‌کردم و سریال‌سازی را به شبکه‌ها برمی‌گرداندم. رقابت‌های سالمی که آن موقع برای پویایی داشتند را تکرار می‌کردم. الان من نمی‌گویم بلکه آمار می‌گوید که چرا مردم فقط شبکه آی‌فیلم را تماشا می‌کنند.

او با تأکید بر اینکه «تمرکز در تمرکز» اقدامی غلط در صداسوسیاست، همچنین تصریح کرد: چه بخواهیم و چه نخواهیم سازمان صداو سیما انحصاری است. آمدیم در خود سازمان هم انحصار زدیم که کل سریال‌ها در سیمافیلم ساخته شود. در حالی که سیمافیلم زمانی کار فاخر درست می‌کرد؛ همین کارهای درست قدیمی را سیمافیلم می‌ساخت، بار الف را ریختیم بر روی الف ویژه و جلو بردیم. دوره بعد اداره‌ای درست شد و اصلا مدیرگروه‌ها را جمع کردند. زمانی ما برای آنتن شبکه سه می‌دویدیم اما بعد گفتند آنتن سه چیست، همه برای خودمان است ... همه بیایید. آنجا بود که رقابت تمام شد. در حالی که آن رقابتی که قبلاً وجود داشت خیلی قشنگ بود. آن موقع تلویزیون سه تیم بود آقای پورمحمدی شبکه سه، آقای جعفری‌جلوه شبکه دو و آقای فرجی در شبکه یک که واقعا رقابت می‌کردیم، نمی‌دانم چه شد؟! اما حالا می‌گویند، فلان کار را می‌سازی، صدایت هم در نمی‌آید؛ مگر یادگان است؟

## {فرهنگی}

**بهروز غریب‌پور در ادامه بررسی پرونده خانه تئاتر عنوان کرد**

# احمدی نژاد گفت دو کامیون تاپاله می‌ریزم جلوی خانه هنر مندان



بگردند تا بسازیم. اتفاقاً مباحیه نامه و سند اصلی اش به نام من و ایرج راد است. مدام می‌گفتم بخیرم و بسازیم. راه می‌افتد. موتور سوار می‌شدم از این گوشه شهر به آن گوشه شهر مدام در حرکت بودیم تا همین عمارت فعلی را گرفتیم. بنابراین اگر پافشاری من نبود آن ساختمان خریداری نمی‌شد. نه این که الان بگویم به من مدال بدهند. می‌گویم بگویند که اگر او نبود این اتفاق‌ها نمی‌افتاد.

**❖ ساختن و برنامه ریزی برای انجام فعالیت‌های موثر از ویژگی‌های شما است.**

در آن آبادگری، بی باک هستم. به فکر این که کسی می‌رنجد و ناراحت می‌شود، نیستم. زمانی باشگاه دیپلماتیک را برای وزارت امور خارجه در ارتفاعات دارآباد انجام می‌دادم که مخالف اصلی آن هم آقای دکتر کمال خرازی بود. مدام می‌گفت فضای بزرگ در ارتفاعات دارآباد به چه دردمان می‌خورد؟ اول می‌گفت یک فضای چهل متری بیشتر نباشد و من می‌گفتم که این فضا قرار است دیپلمات‌های خارجی در ایران از آن استفاده کنند جای تفریح می‌خواهند تا با خانواده شان بیایند و هوای خوبی داشته باشند که در نهایت باشگاه دیپلماتیک نزدیک به ۱۰۰ هکتار زمین بلاصرف را احیا کردیم. بگذریم که این زمین در حال حاضر به ۵۵۰۰ متر مربع تغییر مساحت داده و پولساز شده است. اما خوشحالم که باشگاه دیپلماتیک بنا شد.بنابراین اینطور فکر نکنید که در حیطه تاثیر از این دست فعالیت‌ها انجام نداده‌ام. خیر چنین نیست. وقتی که ویرانی می‌بینم نیرویی در من ایجاد می‌شود که قصد آباد کردن و رهندن آن از این ویرانی را دارم . ولی خانواده تئاتر ... بماند. حتما آنها کار خوبی می‌کنند و عاقبت طلبی را پسند کردند تا مبدا گوشه‌قیایشان خراب نشود! در این مسیر همه نوع تهمت هم به من زده اند. گفتند که غریب‌پور توده ای است، از «کا گ ب» دستور گرفته سلطنت طلب است و غیره . ولی من همچنان در حرکت هستم و پایداری خود را نشان داده‌ام.اگر کسی به معنی واقعی عشق باشد، باید عشق خود را در عمل نشان دهد.

**❖ روزنامه کیهان یک ستون همیشه از شما داشت.**

بله.همیشه علیه من می‌گفت. مثلاً درمورد عاشورا می‌گفتند که می‌خواهد وجهه ملی برای خود درست کنم. می‌گفتند که نه اپرای عاشورا را روی صحنه خواهد برد و نه از خانه هنرمندان و مدیریت آن دل می‌کند. اما تاریخ ثابت کرد که هم عاشورا را روی صحنه بردم و هم از مدیریت عامل خانه هنرمندان استعفا دادم. هر کسی از ظن خود شد یار من . از درون من نجست اسرار من .

**❖ چطور در همه این سال‌ها نا امید نشدید؟ جایی آدم می‌گوید مبارزه برای چه کسی؟**

هر گز نگفتم‌ام که خسته شدم. مهم این است که دورنمای شما چیست. اگر دورنما لذت،خوشحال کردن و با فرهنگ تر کردن مردم باشد؛ جایی برای نا امیدی نمی‌ماند.

**❖ یا اگر آینده سازی و تاریخ باشد.**

به تاریخ فکر نمی‌کنم.

**❖ وقتی کشتارگاه را به فرهنگسرا تبدیل می‌کنید یک تاریخ برای محله است.**

بله ولی برای محله و ایران بود من برای خودم هیچ کاری نگردم از آن به بعد بود که نهضت فرهنگسرا سازی آغاز شد. من در آن زمان فکر می‌کردم که مردم نازی آباد و خانی آباد را از بوی گندی که ناشی از کشتار بود از یک زندگی بد نجات دهم. برای شطرنج ایران گام‌هایی برداشته ام که هیچ کس فکر نمی‌کند این کار را کرده ام. وقتی وسایل فدراسیون شطرنج را در خیابان ریختند، من فرهنگسرای بهممن را محل رشد استعدادهای شطرنج ایران کردم. الان می‌بینید که نخبگان شطرنج داریم.

**❖ بله شما ساختار می‌سازید.**

من اصلا به این که نمایشی را روی صحنه ببرم و ده بیست روز و یک ماه و دو ماه روی صحنه باشد و تشویقی و پولی بگیرم، فکر نمی‌کنم. کسر شان من است. من جریان نمایش اپرای «مولوی» خدا را شکر می‌کنم که وقتی که تماشاگر سوال می‌کنم چند بار این کار را دیده اید؛ خیلی‌ها دستشان را بلند می‌کنند. من به نهادسازی و بنیان‌های مستحکم فکر می‌کنم. معلم من در این قضیه، امثال خواجه نظام الملک طوسی است و کسانی است که مانند امیرکبیر هستند و دارالفنون را تاسیس کرده است و کسانی که به نهادسازی و خدمت علاقمند هستند.

## توضیحات ساترا درباره ماجرای توقیف برنامه سروش صحت

تشابه مستقیم برنامه «اکنون» و لزوم استقلال این برنامه جزو مصوبات ابلاغ شده به سکوی فیلمو است.

متأسفانه سکوی فیلمو نه تنها در خصوص برنامه اکنون حقوق مالکیت سازمان صدا و سیما را بر خلاف مصوبات شورای صدور مجوز نقض کرده است، بلکه در قبال برنامه «جوکر» هم قائل به رعایت حقوق معنوی مخاطب و سکوهای دیگر و عوامل تولید کننده نیز نیست. به گزارش ایسنا، در توضیحات ساترا در پی توقف ماجرای برنامه «اکنون» آمده است: "با توجه به انتشار نامه سازمان تنظیم مقررات رسانه های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی در خصوص برنامه اکنون از سوی مدیر سکوی فیلمو، به اطلاع میرساند رعایت حقوق مالکیت معنوی یکی از الزامات تنظیم‌گری است که برای همه تولید کنندگان و فعالان صنعت صوت وتصویر فراگیر محترم شمرده می‌شود و مورد مطالبه همه سکوها و تولید کنندگان محتوا است.

برنامه «کتاب باز» از برنامه های با سابقه در سازمان صداسوسیا است و با توجه به مکاتبه شبکه نسیم در خصوص لزوم رعایت حقوق مالکیت این برنامه، عدم

پریسا ساسانی، حسین قره

بهروز غریب‌پور کارگردان شناخته شده عرصه نمایش معتقد است اگر پافشاری او نبود ساختمان خانه تئاتر خریداری نمی شد و مباحیه نامه و سند اصلی خانه تئاتر به نام او و ایرج راد بوده است.

با آغاز بررسی علکرد خانه تئاتر و طرح موضوعات مختلف همچون مالکیت این نهاد صنفی و مسائل مالی پیرامون آن توسط مقصد نعیمی ذاکر مدیرعامل پیشین این نهاد صنفی، از جمله عدم تخصیص مبلغ ۲ میلیارد و نیم کمک هزینه ایام کرونا به اهالی تئاتر و از همه مهمتر شفافیت در نوع مالکیت این خانه به شخص حقوقی به جای شخص حقیقی، دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پاسخ داد و گفت که «مالکیت سند ساختمان خانه تئاتر به نام فرد نیست».

خبرآنلاین با پیگیری‌هایی که به انجام رساند در گفتگو با بهروزغریب‌پور کارگردان تئاتر ابعاد تازه‌ای از فعالیت‌های خانه تئاتر را جويا شد و این کارگردان شهیر در عرصه نمایش در بخشی از صحبت‌های خود به نکته مهمی اشاره کرد و گفت:«اگر پافشاری من نبود آن ساختمان هم خریداری نمی‌شد. ایرج راد و من در آن دوران در هیئت مدیره خانه تئاتر بودیم و مدام دنبال جایی می‌گشتیم تا ساختمان خانه تئاتر را خریداری کنیم. یادم هست که خسرو احمدی و یک نفر دیگر از بچه‌ها را مسئول کردم که دنبال خانه کلنگی بگردند تا بتوانیم بازسازی کنیم تا اینکه خانه تئاتر خریداری شد و اتفاقاً مباحیه نامه و سند اصلی آن به نام من و ایرج راد است.البته این موضوعات را نگفتم که به من مدال بدهند. اما حقیقت ماجرا این است.

در ادامه گفتگوی خبرگزاری خبرآنلاین با بهروز غریب‌پور که این روزها اپرای «مولوی» را در تالار فردوسی اجرا می‌کند؛ به موضوعات دیگری از جمله ضعف‌های مدیریتی در دولت‌های مختلف، عدم شناخت مدیران منتصب در پست‌های فرهنگی ، پافشاری او بر سرپا نگه داشتن خانه هنرمندان در دوران شهرداری احمدی نژاد در تهران، تقلیل وظایف خانه تئاتر به عنوان یک نهاد صنفی و مسائل مختلف در حوزه مدیریت فرهنگی سخن گفت که می‌خوانید:

**❖ آقای غریب‌پور در آغاز می‌خواهیم سنوالی از شما بپرسیم که مربوط به شیوه و مرام رفتاری شما طی سال‌ها فعالیت شما در عرصه مدیریت فرهنگی است و آنچه در مسیر رفتاری شما مشهود است تلاش و حصول نتیجه مطلوب است. به عنوان مثال تلاش شما برای ساخت و حفظ خانه هنرمندان به عنوان یک مکان فرهنگی در سال‌های مدیریت احمدی نژاد بر شهرداری تهران است.**

بهروز غریب‌پور مدیر فرهنگی و کارگردان تئاتر: می‌دانید که ۱۹ بهمن یک ربع قرن از تاسیس خانه هنرمندان می‌گذرد. همانطور که اشاره کردید خانه هنرمندان محصول جنگ و جدال من با همه مدیران وقت است و اتفاقاً اشاره خوبی به احمدی نژاد کردید. او زمانی گفت که دو کامیون تاپاله می‌ریزم جلوی در خانه هنرمندان و آن را می‌بندم. یا وقتی کشتارگاه را به فرهنگسرا تبدیل می‌کردیم هم با مقاومت‌هایی از این دست مواجه بودیم. ببیند ما چنین مسئولین جاهلی داشته ایم. جالب است که بدانیم آقای کرباسچی اخیراً در روزنامه هم‌میهن یادداشتی با عنوان «آبادگر ویرانه ها» نوشته بود و گفته بود که به جز بهروز غریب پور که سلاح‌ها به جانش می‌افتاندد؛ احدی نمی‌توانست کشتارگاه را به فرهنگسرای بهمن تبدیل کند ولی او باکی نداشت.

**❖ نیم قرن شدن خانه هنرمندان محصل عشقی است که به فراهم شدن آن تشکیلات داشتید. وقتی که وارد موزه کوچک عروسک‌های شما شدم نیز عشق به فراهم کردن این فضای موزه‌ای را متوجه شدم. هرچند که از لحاظ فضاسازی با استانداردهای موزه ای جهان فاصله دارد.**

اگر با استانداردهای موزه‌ها پیش نرتفم، دلیلش این است که این فضا یک موزه اختصاصی است. همه عروسک‌هایی که می‌بینید، در رپر توره‌های مختلف جای خود را به عروسک‌های دیگر می‌دهند. بنابراین این موزه‌های دیگر تفاوت اساسی دارند. اگر نگاه متفاوت نباشد، شما مقلد هستید. پس در راه اندازی این موزه هم نگاه تقلیدی نداشتم. خلق را تقلیدشان بر باد برد–

**❖ شما در صحبت‌های خود بارها اعلام کرده بودید که موزه تئاتر تاسیس نشده است.**

درباره موزه تئاتر هم تلاش بسیار کردم ساختمان هم معین کردم، طراحی های آن هم صورت گرفت. ولی خانواده تئاتر این شایستگی را نداشتند که درک کنند که موزه تئاتر تا چه اندازه مهم است و چقدر می‌تواند به نفعشان باشد. زمانی که خانه انتظامی را به موزه تبدیل کردم، بخشی از ایده خود را درباره موزه را به نمایش گذاشتم. در این موزه فقط چهل هزار سند اسکن کردیم که در حال حاضر در این موزه نگهداری می‌شود که پژوهشگران با مراجعه به آنجا می‌تواند از اعلان‌های دوره قاجار تا دوره جمهوری اسلامی را مورد مطالعه قرار دهند. اما درباره موزه تئاتر چنین نشد. در واقع خانواده تئاتر با اینکه یک خانواده فرهنگی هستند و اسم بزرگ و سنگینی را حمل می‌کنند؛ اما مطابق نشان‌مان عمل نمی‌کنند. آیا تا به حال از فردی شنیده اید که بگوید خانه انتظامی را یا بهروز غریب پور طراحی کرده؟ و اسناد تاریخی تئاتر در این موزه وجود دارد؟ یا اینکه یک سالن استاندارد ساخته است که هر شب اجرا دارد؟ اصلا نمی‌گویند. به اعتقاد من این نوع رفتار نشان می‌دهد که ما تخریب کننده عناوین خاص هستیم.

**❖ به خانواده تئاتر اشاره کردید. آنچه نشان و مظهر اهالی تئاتر است؛ خانه تئاتر نام دارد و این انتظار وجود دارد که به هنر تئاتر که هنری ریشه دار و ماندگار است، به عنوان میراث معنوی برای آیندگان توجه شود. به جز خانواده تئاتر، مسئولان و خانه تئاتر تا چه اندازه به این موضوع فکر کرده اند که آقای غریب پور! بیایید باهم موزه تئاتر را تشکیل دهند. این در حالی است که تشکیل موزه تئاتر برای خود اهالی تئاتر هم امری مهم و ماندگار است.**

مسئولان تب نوبه می‌گیرند وقتی این تقاضا را از من می‌کنند. در دوره شریف خدایی و سلیمی و آقای نشاط کارهای مهمی انجام شد. ولی تا می‌آیند به جایی برسند یا عوض می‌شوند یا از انجام آن منصرف می‌شوند یا با اغراض سیاسی اصلا مدیر را عوض می‌کنند.

**❖ علاوه بر موزه تئاتر آیا نمونه‌ای دیگری از به ثمر نرسیدن ایده‌های خود دارید؟**

بله. از من خواستند تا بازسازی تئاتر شهر را به انجام برسانم. تئاتر شهر از نظر